

## زبان مقدس

حسین توفیقی

اشاره:

ادیان به مقدسات می‌اندیشند. مقدسات ادیان بی‌شمارند و یکی از آنها زبان است. ادیان یک یا چند زبان را، در یک یا چند زمان، به یک یا چند درجه، مقدس معرفی می‌کنند. این مقاله نکاتی را در باب زبان مقدس ادیان یادآوری می‌کند.

ادیان صحنه مقدسات هستند. مقدسات ادیان می‌توانند شیء، نبات، حیوان، شخص، زمان، مکان، جرم آسمانی، عمل، تعلیم (آموزه)، واژه، متن، خط، زبان و هر چیز دیگر باشند. ادیان مختلف این امور را به سبب تأثیراتی که دارند، مقدس شمرده‌اند. مقدسات کاربرد دینی دارند و بی‌حرمتی به آنها شرعاً جایز نیست. برخی از مقدسات اسلامی عبارتند از: شیء مقدس مانند کعبه، مقام ابراهیم و حجرالاسود؛ شخص مقدس مانند خدای عزوجل، فرشتگان، معصومین(ع)، علما و سادات؛ زمان مقدس مانند ماه رمضان و ماه‌های حرام؛ مکان مقدس مانند مسجد و حرم؛ عمل مقدس مانند نماز و روزه؛ تعلیم مقدس مانند ضروریات دین؛ واژه مقدس مانند نام‌های خدای متعال و معصومین(ع)؛ متن مقدس مانند آیات قرآن مجید؛ خط و زبان مقدس مانند خط و زبان عربی که به موجب آن، مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند، مس آن اشکال ندارد (امام خمینی(ره)، رساله توضیح المسائل، مسئله ۳۱۷).

سایر ادیان نیز مقدسات بی‌شماری دارند که از آن جمله است: آسمان، زمین، اجرام آسمانی، معابد، مقابر، زیارتگاه‌ها، برخی کوه‌ها، بیابان‌ها، شهرها، نهرها، سنگ‌ها، بتان، آلات جنسی، نباتاتی مانند هوم المجوس، نیلوفر و سومای هندوان، یاس صابیان و رستنی‌های دیگر، حیواناتی مانند سوسک، موش، گربه، مار، تمساح، میمون، گاو و فیل؛ همچنین بزاق، عرق، خون و هر چیزی که از پیش و پس حیوانات و انسان‌های مقدس خارج می‌شود و چیزهایی که همیشه یا گاهی با آنها تماس داشته است، مانند مو، ریزه ناخن، لباس و پس‌مانده غذا. صلیب و نان و شراب عشای ربانی مسیحیت و ظروف آنها نیز تقدس دارد.

زبان مقدس (Sacred Language) زبانی است که هنگام عبادت، دعا و تلاوت کتاب آسمانی، باید از آن استفاده کرد. حتی برای عقد بعضی از قراردادهای مانند ازدواج برخی امور دیگر مانند ذبح شرعی حیوان، زبان مقدس مطرح می‌شود.

سخن گفتن به زبان مقدس و شنیدن آن نیز محدودیت دارد که به موجب آن، مسیحیان شام در پیمان ذمه خود با خلیفه دوم متعهد شدند که به شیوه مسلمانان سخن نگویند و چیزی را به خط عربی روی انگشترهای خود نقش نکنند (الطراطوشی، سراج الملوک، ص ۳۱۹).

همه ادیان جهان در سیر تاریخ خود، یک یا چند زبان مقدس را تجربه کرده‌اند. اکنون هم تقریباً همه ادیان جهان زبان مقدس دارند.

تقدس قوم، سرزمین، زبان و دین <sup>۱</sup> تا سال ۱۹۰۰ میلادی در مطالعات غربی اگر همه ادیان جهان در سیر تاریخ خود، زبان مقدس را تجربه کرده‌اند، آیا همه زبان‌های قدیم نیز در سیر تاریخ خود، مقدس بودن را تجربه کرده‌اند؟ پاسخ این سؤال مثبت است؛ به این معنی که همه اقوام قدیم سرزمین، زبان و دین مخصوص خود را داشته‌اند و طبعاً هر یک از آنها قوم، سرزمین، زبان و دین خود را مقدس می‌دانسته است.<sup>۱</sup> اما بسیاری از اقوام، سرزمین‌ها، زبان‌ها و دین‌ها بر اثر حوادث تاریخی، درهم ریخته و به هم آمیخته‌اند و به همین علت، تقدس برخی از آنها آسیب دیده است. پس به آسانی

۱. تقدس قوم یهود در سفر خروج ۱۹:۶؛ تقدس قوم مسیحی در رساله اول پطرس ۲:۱۲ و تقدس سرزمین فلسطین در کتاب زکریا ۲:۱۲ و سوره مائده ۲۱ آمده است. تعبیر لیشون فودش (به معنای «زبان مقدس») نیز تقدس زبان عبری را نشان می‌دهد.

می‌توان ادعا کرد که زبان انگلیسی در زمانی مقدس بوده و آن تقدس به سبب مسیحی شدن آنگلو ساکسون‌ها و ترک آیین قدیمشان از میان رفته است.

اکنون مشاهده می‌کنیم که تعداد اقوام جهان چندین برابر ادیان است و بیشتر ادیان بین اقوام گوناگونی گسترش یافته‌اند و ادیان برای برخی اقوام، بومی و برای برخی دیگر غیربومی هستند. هندوئیسم، جینیسم و سیکسزم برای مردم هندوستان بومی هستند، ولی بودیسم که در هندوستان پدید آمده و از آن‌جا به چین و ژاپن و کشورهای جنوب شرق آسیا رفته، برای مردم این سرزمین‌ها غیربومی است. آیین زردشت برای ایرانیان بومی است (و بخشی از آن همراه زردشتیان به هندوستان رفته است). یهودیت همراه بنی اسرائیل در جهان جابه‌جا شده و اکنون بخشی از آن در فلسطین اشغالی استقرار یافته است. مسیحیت برای هیچ ملتی حالت بومی نداشته و از همان آغاز چندملیتی بوده است و هم اکنون مردم ده‌ها کشور کوچک و بزرگ اروپا و آمریکای شمالی و مرکزی و جنوبی مسیحی هستند. اسلام برای مردم عربستان دین بومی و برای مردم ایران، عراق، شام، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی، سودان، حبشه، سومالی، آسیای میانه، ترکیه، افغانستان، پاکستان، هندوستان، بنگلادش، مالزی، اندونزی و ده‌ها سرزمین دیگر دین غیربومی است.

پس بیشتر اقوام و ملت‌های جهان، دین وارداتی دارند و بیشتر ادیان بین چند ملت تقسیم شده‌اند؛ به همین علت، شمار زبان‌های مقدس از سایر زبان‌ها بسیار کم‌تر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### تأثیر کلام در عمل آفرینش

در مورد مقدس شدن زبان، توجه به این نکته لازم است که تأثیر کلام در عمل آفرینش در ادیان گوناگون مطرح است؛ مثلاً در قرآن مجید می‌خوانیم که خدای متعال آفرینش خود را با لفظ کن به معنای «باش» عملی می‌کند.<sup>۱</sup>

در گزارش عمل آفرینش در آغاز تورات آمده است که خدا روشنایی و تاریکی و خشکی و دریا و... را به کمک الفاظی مانند «روشنی بشود» و «زمین نباتات بریواند» پدید آورد. در آغاز انجیل یوحنا نیز این عبارت دیده می‌شود: «در ابتدا، کلمه بود. همان در

۱. بقره ۱۱۷؛ آل عمران ۴۷ و ۵۹؛ انعام ۷۳؛ نحل ۴۰؛ مریم ۳۵؛ بقره ۸۲ و غافر ۶۸. سرد و سالم شدن آتش برای حضرت ابراهیم خلیل (ع) و مسخ شدن اصحاب سبت نیز با چنین فرمانی بوده است (انبیاء ۶۹؛ بقره ۶۵ و اعراف ۱۶۶).

ابتدا، نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. چنین آموزه‌ای در سایر ادیان نیز وجود دارد.

### زبان‌های مقدس ادیان

با این‌که تقریباً همه ادیان زبان مقدس دارند، برای اندکی از ادیان زبان مقدس صرفاً یک پیشینه تاریخی است. هرگاه دینی این‌گونه باشد، تمام یا برخی فرقه‌های آن دین در زمان حاضر به زبان خاصی تعلق خاطر ندارند و به زبان محلی عبادت می‌کنند.

همچنین با این‌که همه ادیان از زبان اشاره استفاده می‌کنند و نمونه آن در اسلام، پشت سر انداختن دنیا و امور دنیوی با اشاره دست در تکبیر الاحرام نماز است، گاهی یک دین زبان مقدس غیرکلامی نیز دارد؛ مانند زبان مودراها (Mudras) در هندوئیسم و بودیسم. مودرا وضعیت انگشتان برخی از مجسمه‌های ویشنو، شیوا و بوداست که به برخی از باورهای ادیان یادشده دلالت می‌کنند. این زبان مقدس غیرکلامی با زبان مقدس سانسکریت در هندوئیسم و زبان‌های دینی پالی و پراکریتی در بودیسم تفاوت دارد.<sup>۱</sup>

زبان مقدس یهودیان عبری است. عبری زبان تورات و حضرت موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل است. پس از تأسیس کشور غاصب اسرائیل، زبان عبری نوسازی و زبان رسمی آن کشور شده است.

از آن‌جا که مسیحیت از همان آغاز با فرهنگ‌های گوناگون درآمیخته است، مسیحیان در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون زبان‌های یونانی، لاتینی، سریانی، قبطی و ارمنی را مقدس شمرده‌اند، به این شرح:

مسیحیان کاتولیک تا حدود چهل سال پیش به زبان لاتینی عبادت می‌کردند. زبان لاتینی زبان رومیان بوده است که در زمان حضرت مسیح (ع)، مشرک بوده‌اند و از آن جهت که فلسطین در آن زمان مستعمره روم بوده، طبق گزارش اناجیل، تصلیب آن حضرت به اصرار یهودیان و به دست حاکم رومی فلسطین صورت گرفته است. بنابراین، زبان لاتینی زبان دشمنان حضرت مسیح (ع) بوده که پس از مسیحی شدن رومیان در اوایل قرن چهارم میلادی و اجرای مراسم دینی ایشان به آن زبان، به تدریج مقدس شده است. ترجمه لاتینی کتاب مقدس معروف به «وُلگاتا» (Vulgate) به دست جروم (Jerome)

۱. پراکریتی به معنای «عامیانه» در مقابل سانسکریت است. زبان پالی را نیز می‌توان گونه‌ای پراکریتی به‌شمار آورد.

(متوفای ۴۲۰ م.) برای مسیحیان کاتولیک اهمیت داشته است. لزوم استفاده از زبان لاتینی در عبادت در شورای واتیکانی دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) لغو شد. پاپ نیز فتواهای خود را به زبان لاتینی صادر می‌کند و آن فتواها بی‌درنگ به زبان‌های دیگر ترجمه و منتشر می‌شود.

مسیحیان ارتدکس یونانی به تقدس زبان یونانی (که عهد جدید به آن نگاشته شده است)، مسیحیان عراق، سوریه و لبنان به تقدس زبان سریانی (مربوط به سوریه قبل از اسلام که حضرت مسیح (ع) نیز به آن سخن می‌گفته است)، مسیحیان قبطی مصر به تقدس زبان قبطی (مربوط به مصر قبل از اسلام) و مسیحیان ارمنی به تقدس زبان ارمنی معتقدند. مسیحیان پروتستان از همان آغاز حرکتشان، تقدس زبان‌ها را نفی کرده و اجرای مراسم دینی را به هر زبانی جایز شمرده‌اند. زبان مقدس هندوان سانسکریت و زبان مقدس سیک‌ها پنجابی است. کتاب‌های مقدس بودایی به زبان‌های پالی و پراکریت نوشته شده‌اند و اکنون معلوم شده است که این زبان‌ها برای بوداییان مقدس نبوده‌اند و نیستند. زبان مقدس زردشتیان اوستایی است که خط مخصوصی دارد. زبان پهلوی نیز در آیین زردشت تا اندازه‌ای مقدس است. زبان مقدس صابیان مندایی است.

### عربی، نمونه‌ای از زبان مقدس

زبان مقدس لزوماً زبان کتاب آسمانی یا زبان بنیانگذار دین نیست، ولی در بیشتر موارد چنین است. به طوری که می‌دانیم، زبان مقدس اسلام عربی است که زبان قرآن مجید و حضرت رسول اکرم (ص) نیز هست. علاوه بر این، در سنت اسلامی<sup>۱</sup> آمده است که زبان عربی زبان خدای متعال است<sup>۲</sup> و خدا آن را بر سایر زبان‌ها برتری داده است (همان، ج ۲۵، ص ۲۹). همچنین در آغاز جهان، زبان حضرت آدم (ع) عربی بود؛ ولی پس از این‌که نافرمانی کرد و از میوه درخت ممنوع خورد، خداوند نعمت‌هایش را سلب کرد و

۱. احادیثی که در این بخش نقل می‌شود، صرفاً برای نشان دادن تقدس عربی در عرف مسلمانان است و صدور یا عدم صدور آنها از معصوم مد نظر نیست.

۲. «تعلموا العربیة، فانها کلام الله الذی یکلم به خلقه» (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۱۲ و ج ۷۶، ص ۱۲۷). «الوحي ينزل من عند الله عز وجل بالعربیة؛ فاذا أتى نبياً من الأنبياء أتاه بلسان قومه» (همان، ج ۱۱، ص ۴۲). «ما أنزل الله تبارک و تعالی کتاباً و لا وحياً إلا بالعربیة؛ فكان يقع فی مسامع الأنبياء بألسنة قومهم و كان يقع فی مسامع نبینا (ص) بالعربیة» (همان، ج ۱۶، ص ۱۳۴ و ج ۱۸، ص ۲۶۳).

زبان عربی را از او گرفت و زبان سُریانی را جانشین آن کرد.<sup>۱</sup> سپس نخستین کسی که به زبان عربی سخن گفت، حضرت اسماعیل (ع) بود (همان، ج ۱۲، ص ۸۷)؛ حضرت یوسف (ع) در اولین ملاقات خود با پادشاه مصر، به زبان عربی سلام کرد (همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴) و حضرت سلیمان (ع) آن را زبان عبادت خود قرار داد.<sup>۲</sup> همچنین گفته می‌شود که وزرای حضرت مهدی (ع) با آن‌که همه از غیر عرب خواهند بود، به زبان عربی سخن خواهند گفت (محبی‌الدین بن عربی، الفتوحات المکیّة، باب ۳۶۶).

در پایان جهان نیز عربی مطرح است؛ زیرا زبان اهل بهشت عربی خواهد بود (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۵۶؛ ج ۸، ص ۲۱۸ و ۲۸۶ و ج ۱۰، ص ۸۱). حوریان بهشتی نیز به عربی سخن می‌گویند (همان، ج ۸، ص ۱۳۴). بدین شیوه، زبان مقدس اسلام زبان خداوند و خوبی‌ها معرفی شده و جاودانگی یافته است. همچنین عربی بودن قرآن مجید به عنوان لطفی از سوی خدای متعال در یازده آیه از آن کتاب الهی آمده است. زبان مقدس در بیشتر عبادات و برخی معاملات اسلامی جلوه می‌کند. در اسلام، اذان و اقامه، نماز و تلبیّه حج و عمره باید به زبان عربی باشد و همه مسلمانان موظفند الفاظ عربی آنها را بیاموزند. قرآن مجید نیز به عربی تلاوت می‌شود و متون ادعیه، زیارات و تسبیحات به عربی است. عقاید اسلامی نیز به زبان عربی به‌میت تلقین می‌شود. در مواردی از بخش معاملات فقه اسلامی نیز دربارهٔ اشتراط یا عدم اشتراط عربیت بحث می‌شود و اشتراط آن می‌تواند درجانی داشته باشد. مثلاً با وجود اختلاف فتوای فقیهان، برای ازدواج و طلاق، خواندن صیغه لازم است و این صیغه، مخصوصاً در صورت امکان، باید به زبان عربی باشد. البته قوام عقد به نیت است و نه به کلام، ولی در عقود مهمی مانند ازدواج و طلاق، گونه‌ای ارتباط الهی نیز مطرح است و به همین دلیل، در این موارد، هم صیغه خواننده می‌شود و هم آن صیغه به زبان مقدس عربی است.<sup>۳</sup>

۱. «كان لسان آدم العربية و هي لسان اهل الجنة. فلما عصى ربه أبدله بالجنة و نعیمها الأرض و الحرث و بلسان العربية السریانیة» (همان ج ۱۱، ص ۵۶).

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۲ و حضرت موسی (ع) متن زیر را با اشاره به عربی بودن معارف اسلامی، به زبان عبری روی سنگی نقش کرده بود که پس از ظهور اسلام کشف شد: «باسمک اللهم. جاء الحق من ربک بلسان عربي مبین. لا إله الا الله؛ محمّد رسول الله؛ علیّ ولیّ الله و کتب موسی بن عمران بیده» (همان، ج ۲۷، ص ۹ و ج ۳۸، ص ۵۸ و ۵۹).

۳. برخی افراد بی‌خبر هنگام قرائت صیغهٔ قرارداد ازدواج گمان می‌کنند که عاقد دعایی می‌خواند تا عروس و داماد به یکدیگر حلال شوند (همانطور که برای حلال شدن ذبیحه باید نام خدای متعال را بر زبان آورد)!

از سوی دیگر، به فتوای ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت، اذان و نماز و تلبیه به زبان فارسی جایز است (السرخسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۶-۳۷) و برخی از فقهای شیعه دعا کردن به غیر عربی را در نماز جایز دانسته‌اند (امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۱۳۵)، ولی نمونه زنده و رایج عبادت به غیر زبان عربی خطبه‌های نماز جمعه است که علاوه بر عربی، به زبان‌های فارسی، ترکی، اردو، بنگالی، گجراتی، انگلیسی و غیره القا می‌شود و شرعاً جای دو رکعت نماز را می‌گیرد. روضه خوانی، مداحی و نوحه سرایی دینی شیعیان نیز به زبان محلی اجرا می‌شود.

زبان‌های عبری و سریانی نیز در اسلام مقداری تقدس دارند و یکی از نام‌های عبری خدا ایه اشرا هیه (به معنای «هستم آنچه هستم»): خروج ۳: ۱۴ در برخی ادعیه - مانند دعای شب عرفه در مفاتیح الجنان - و آحر از اسلامی آمده و بر اثر ناآگاهی نسخه‌برداران، به آیه شریفه تصحیف شده است (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۷۹؛ ج ۹۴، ص ۱۹۳، ۲۲۲ و ۲۲۸؛ ج ۹۵، ص ۹۳ و ۱۷۰ و ج ۹۸، ص ۲۷۰). نام برخی از فرشتگان مانند جبرئیل و میکائیل نیز به عبری است.<sup>۱</sup> حضرت مهدی (ع) نیز هنگامی که اجازه قیام دریافت کند، خدا را به اسم عبری اش می‌خواند؛ آنگاه سیصد و سیزده تن پرچمدار آن حضرت گرد می‌آیند (همان، ج ۵۲، ص ۳۶۸). همچنین متن عبری دعای ذبح یهودیان برای تشخیص حلال بودن ذبیحه آنان به برخی از راویان حدیث تعلیم داده شده است (همان، ج ۶۶، ص ۲۷).

### ترجمه متون مقدس

ترجمه متون مقدس تقدس آنها را به شدت کاهش می‌دهد و همانطور که دیدیم، در آن صورت، شرط طهارت برای لمس کردن آن در اسلام ساقط می‌شود. مشابه این حکم در یهودیت نیز وجود دارد (میشنا، یادیم ۴: ۵). مسیحیت برای لمس کردن متن یا ترجمه متن مقدس حکمی ندارد.

معمولاً پیروان ادیان با ترجمه کردن کتاب‌های آسمانی مخالف بوده‌اند. نمونه‌ای از مخالفت مسیحیان با این کار، به دار آویختن ویلیام تیندل (William Tyndale) و آتش زدن جسد وی در سال ۱۵۳۶، به جرم ترجمه و نشر عهد جدید به زبان انگلیسی است.

۱. جبرئیل به معنای «مرد خدا» و میکائیل به معنای «چه کسی مثل خداست؟» بدیهی است که فرشتگان می‌توانند نام‌هایی به هر زبانی داشته باشند.

نسخه‌های فراوانی از ترجمه او نیز به کام آتش رفت.

ترجمه قرآن مجید نیز مورد قبول نبوده است؛<sup>۱</sup> به طوری که علامه شیخ احمد بن عبدالرحیم دهلوی معروف به «شاه ولی الله» (متوفای ۱۱۷۶ ق.) پس از اقدام به ترجمه فارسی قرآن مجید به نام فتح الرحمن فی ترجمه القرآن در جامعه اسلامی هندوستان، مجبور به جلای وطن شد (مجله المنار، ج ۳۱، ص ۶۳۶). همچنین حدود هفتاد سال پیش، میان دولت مصر و علمای موافق ترجمه قرآن از یک سو و علمای مخالف این کار از سوی دیگر، نزاعی شدید درگرفت و سرانجام، قضیه به نفع مخالفان ترجمه خاتمه یافت.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر برخی از ترجمه‌های قدیم عهد عتیق به زبان کلدانی به نام ترگوام (Targum) و ترجمه یونانی قدیم آن کتاب به نام ترجمه سبعینه (Septuagint) در جوامع یهودی تقدس یافت. مسیحیان نیز به تقدس ترجمه سبعینه و ترجمه لاتینی وُلگاتا معتقد شدند تا آنجا که آگوستین قدیس درباره اختلاف‌های ترجمه سبعینه با متن عبری گفت:

پس اگر مقتضی است که در این کتاب‌های مقدس تنها چیزهایی را ببینیم که روح خدا از طریق مردم گفته است، هرگاه چیزی در نسخه‌های عبری باشد، ولی در ترجمه هفتاد یافت نشود، معلوم می‌شود روح خدا نخواسته آن را از طریق آن مترجمان، بلکه خواسته است که تنها از طریق انبیا بگوید. اما چیزهایی که در سبعینه یافت می‌شود، ولی در نسخه‌های عبری نیست، همان روح خواسته است که آنها را از طریق سبعینه بگوید و به این شیوه نشان دهد که هر دو گروه مؤلفان و مترجمان انبی بوده‌اند (آگوستین، شهر خدا ۱۸، ۴۳).

۱. علاوه بر ترجمه، امور زیر نیز قابل توجه است:

الف) هنگامی که خلیفه اول زید بن ثابت را برای گردآوری قرآن کریم در یک مصحف فراخواند، وی از اقدام به عملی که حضرت رسول اکرم (ص) به آن اقدام نکرده بود، به شدت نگران شد (البخاری، الصحيح، کتاب التفسیر، باب جمع القرآن).

ب) خرید و فروش مصحف نیز اشکال داشت (النجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۲۵-۱۲۹)؛ و هنوز هم برای خرید و فروش قرآن، از تعبیر «هدیه کردن» استفاده می‌شود.

ج) هنگام ورود صنعت چاپ به استانبول در زمان خلیفه عثمانی احمدخان سوم، در اوایل قرن دوازدهم هجری قمری، فقهای آن سامان به حرمت چاپ قرآن مجید فتوا دادند (المحاسبی، تاریخ الدولة العلیة العثمانیة، بیروت: دارالنفاس، ۱۴۱۹، ص ۳۱۹).

د) ضبط قرآن کریم در دستگاه‌های جدید نیز اشکال داشت: «و این زمان قرآن را در جعبه آواز حبس کرده‌اند و با ساز و تعنی تلاوت می‌شود» (خراسانی، منتخب الثواریخ: تهران: انتشارات علمیة اسلامیة، ص ۸۷۳).

ه) پخش آن کتاب الهی از بلندگو و رادیو نیز برای جمعی از مسلمانان قابل تحمل نبود.

۲. برای آگاهی از مشروح این نزاع و مباحثی دیگر در این باب، رک: ابازی، «دیدگاه‌های فقهی در باب ترجمه قرآن کریم»، در یادگارنامه فیض الاسلام، ص ۱۵۱-۱۸۵؛ معرفة: التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۶۸.



### الغای زبان مقدس

کسانی در ادیان مختلف مؤمنان را به الغای زبان مقدس فراخوانده و گفته‌اند انسان باید به زبانی که می‌فهمد، عبادت کند. اقلیت کوچکی از یهودیان به این دعوت پاسخ مثبت دادند؛ ولی مسیحیان که زبان‌های مقدس گوناگونی را تجربه کرده بودند، برای الغای زبان مقدس آمادگی بیشتری داشتند و پروتستان‌ها این مسئله را بسیار ترویج کردند. کاتولیک‌ها نیز اندک‌اندک از این کار استقبال کردند و همانطور که گفتیم، لزوم استفاده از زبان لاتینی در عبادت در شورای واتیکانی دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) لغو شد. گروه‌های کوچکی از کاتولیک‌ها در فرانسه و برخی کشورهای دیگر این مسئله را نپذیرفته‌اند و هنوز هم به زبان لاتینی عبادت می‌کنند.

در جهان اسلام، کمال آتاتورک نخستین رئیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۳۲ دستور داد قرآن به زبان ترکی خوانده شود و در سال ۱۹۳۳ دستور داد مؤذنان آن کشور به زبان ترکی اذان بگویند و نماز به زبان ترکی خوانده شود. این فرمان‌ها حدود بیست و پنج سال برقرار بود و جانشینان وی آنها را لغو کردند.

### کتابنامه

- ایازی، محمدعلی، «دیدگاه‌های فقهی در باب ترجمه قرآن کریم»، در یادگارنامه فیض الاسلام. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، ۱۳۸۳.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح. کتاب التفسیر، باب جمع القرآن.
- السرخسی، شمس‌الدین، المبسوط. استانبول: دارالدعوة، ۱۴۰۳.
- خراسانی، حاج محمدهاشم، منتخب التواریخ. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- الطرطوشی، ابوبکر، سراج الملوك. بیروت: دار صادر للطباعة والنشر، ۱۹۹۵.
- فرید بک، محمد، تاریخ الدولة العلیة العثمانیة. بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۹.
- المجلسی، محمدباقر، بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- معرفة، محمدهادی، التفسیر و المفسرون. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة، ۱۴۱۸.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی